

From hör vår röst to the regime of Iran

عقدہ های یک رهبر/ جنون قدرت

بتدریج واقعیات پس از مرگ خمینی نشان داد که قبضه قدرت در نهاد رهبری خامنه ای ، تفاوت عمده ای با بیت خمینی دارد و این تفاوت در استراتژی حاکی از آن بود که رهبر جدید درک درستی از وضعیت خود داشته و می دانست که دیگر رهبر کاریمای دهه اول انقلاب نیست و برای پیشبرد اهداف خود باید به دستگاه عریض و طویل اداری و سیاسی و ابزار سرکوب متوسل شود .

پارزترین مشخصه این تفاوت بررسی نقش علنی احمد خمینی در بیت خمینی و سایه مجتبی خامنه ای در نهاد رهبری است کسی که نه تنها نزدیک ترین روابط را با فرماندهان سپاه دارد، بلکه در تمام جلسات شورای فرماندهی سپاه حضور دارد و گاه نظرات رهبر را به فرماندهان ابلاغ می کند ولی آنچه که مشخص است این است که بیشتر از آن که سپاه ابزار رهبری باشد مجتبی خامنه ای ابزاری برای سپاه شده باشد و این بدان معنا است که سپاه در یک پیچ تاریخی شاید ابزاری برای برکناری رهبر باشد تا حامی رهبر !!

ساختار قدرت و معادلات مربوطه به مرحله ای رسیده که با وجود اینکه سران نظام جمهوری اسلامی در نشست های داخلی خود بد و بیراه نثار رهبر عظیم الشان شان می کنند پیوسته سعی دارند تا اخبار اختلافات درونی به بیرون درز نکند و برای حفظ منافع خود در عین نارضایتی از تمرکز قدرت به ناچار این شکل هرم گونه را در تقسیم قدرت پذیرفته و در ظاهر به داشته های خود قناعت کنند تا شاید تغییری در این توازن ، بازی را به نفع آنها رقم زده و سهم بیشتری از منافع سیاسی و مالی را پس از سر ریز شدن از ظرف رهبری بدست آورند

سر درآوردن جریاناتی که در انحراف افکار عمومی لباس و ظاهر منتقد و رفرم پوشیده ولی جناح حاکم و خطر رهبری از آن تحت عنوان اصلاحات غریزده ، فتنه و انحرافی یاد کرده است نمونه ای از این تلاشها برای تغییر این موازنه و کسب سهم بیشتر است که تا کنون با زیرکی خنثی شده است .

اما برای شناخت نهاد قدرت در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی و دستگاه عریض و طویل نهاد رهبری و دیکتاتوری مطلقه ولایت فقیه لازم است به چند رکن از ارکان اصلی قوام آن اشاره و حواشی آن را مورد توجه قرار داد :

مجلس خبرگان:

خبرگان که به ظاهر مجلسی متشکل از فقهای واجد شرایط است که بر اساس اصل ۱۰۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مسئولیت تعیین و نظارت بر ولی فقیه (رهبر جمهوری اسلامی) را دارد که قاعده و برهان علمی و آکادمیکی برای فلسفه وجودی آن موجود نمی باشد . این مجلس که طبق قانون باید ناظر بر رهبر باشند در دوره های اخیر با ورود وابسته ترین افراد که خود یا امام جمعه و نماینده رهبر در استان ها و شهرهای بزرگ کشور هستند به مجلسی برای تایید و تمجید از خامنه ای تبدیل شده است . انتخابات مجلس خبرگان نیز همواره در زمره انتخابات درجه سه نظام بوده و بی سرو صدا و معمولاً در های و هوی انتخابات مجلس شورای اسلامی یا ریاست جمهوری گم می شود . این سکوت و بی خبری در حوزه انتخابات مجلس خبرگان البته تنها برای این است که یکی از مهمترین ارکان نظام انقدر بی خاصیت شود که بتوان آن را هرگونه که لازم است هدایت کرد . از طرفی تعیین مرتبه علمی و دیگر صلاحیت های کاندیداهای خبرگان به فقهای شورای نگهبان محول شده که خود آنها منصوب مقام رهبری می باشند، و در نتیجه رهبر با یک واسطه از ناحیه خود وی تعیین و ابقا می شود، و این دوری است باطل و همه چیز را حول این مجلس روشن می کند

این مجلس برای یک بار هم که در دوره هاشمی رفسنجانی سعی در مهار خامنه ای داشت با برنامه ریزی اطرافیان وی و دخالت سپاه به اهداف خود نرسید و با واکنش تند خامنه ای روبرو شد ، رهبر دیکتاتور این تلاشها را برنتابید و در لحن تندی چنین اظهار کرد که :

"همه اعضای مجلس خبرگان از جمله هیأت رئیسه محترم باید با توجه به این نکات مهم، مراقب گفتار و عملکرد خود باشند و تبلیغات خصمانه دشمنان را هوشیارانه خنثی کنند. مجلس خبرگان مجلسی پاکیزه و عرصه اتحاد کلمه است و به علت وظایف بسیار سنگین خود در موضوع رهبری، اصولاً نمی‌تواند عرصه دعوا و جنگ قدرت باشد اما برخی رسانه‌های داخلی در یکی دو ماه اخیر، با تبلیغات دروغ دشمنان همراهی کردند که به آنها اخطار می‌کنم به حریم مجلس خبرگان نزدیک نشوند و این گونه بازی‌ها را در مسائل و مباحث دیگر دنبال کنند " .

این بار هم به جای اینکه مجلس خبرگان خامنه ای را خطاب قرار دهد ، خامنه ای مجلس را تهدید کرد و با این وضعیت به سادگی می‌توان روابط بین این مجلس و رهبری را تحلیل کرد.

بنابراین با توجه به اینکه نهاد رهبری ؛نهاد قوه قضائیه ؛نهاد شورای نگهبان و مجلس خبرگان چهار رکن غیر قابل انکار و در عین حال بسیار تاثیر گذار حکومت هستند ،نگاهی به نحوه انتخاب این نهاد که رهبری رئیس قوه قضائیه را انتخاب و در ضمن فقهای شورای نگهبان را برمی‌گزیند رئیس قوه قضائیه حقوقدانهای شورای نگهبان را انتخاب کرده و شورای نگهبان نیز با برقراری آزمون علمی در مقابل کاندیداهای مجلس خبرگان رهبری ؛در واقع عملاً خود مجلس خبرگان رهبری را انتخاب می‌کند (ضمن اینکه اعضای این شورا عضو مجلس خبرگان رهبری نیز می‌توانند بشوند یعنی خود صلاحیت خود را تایید کنند) و مجلس خبرگان رهبری نیز رهبر را انتخاب می‌کند ، تکلیف همه را روشن کرده و این دور تسلسل پیوسته تکرار می‌شود .

انحصار اقتصادی :

نهادهای پر قدرت تحت امر رهبری از جمله سپاه و بسیج و صدا و سیما و بنیادهای ثروتمند و آستان قدس رضوی هیچ‌گاه مورد نظارت و حسابرسی و ارزیابی قرار نگرفته اند. ورود سپاه و وزارت اطلاعات در عرصه اقتصادی تنها با چراغ سبز خامنه ای و برای گسترش حیطه قدرت و اساساً دولتی چندین برابر قوی تر از دولت رسمی بر سر کار است که اهداف خود را با هر سیاستی پیش می‌برند.

بنیادهای و موسسات مالی وابسته به بیت رهبری در مقابل وزارتخانه هایی که کاسه گدایی بودجه سالیانه را در برابر مجلس دراز می‌کنند قابل مقایسه نیست .

در عین حال احاطه رهبر برای انتخاب و معرفی وزرای اطلاعات ، کشور ، امور خارجه و نفت یعنی اساس قدرت دولت نیز بر قدرت وی افزوده است و همین امر مهمترین دلیل اختیارات محدود دولتها از ابتدا تا کنون بوده است .

اصرار خامنه ای در ابقای وزیر اطلاعات نشان داد که نهاد های مهم قدرت توسط شخص رهبر هدایت می‌شوند و تنها نهادها و وزارتخانه های ورشکسته هستند که بر دوش دولت سنگینی می‌کنند . وزارتخانه هایی مثل کار ، آموزش و پرورش ،تعاون سابق ، کشاورزی ، نیرو ، ورزش ، صنایع ، راه و ترابری ، بازرگانی ، علوم و تحقیقات و که بعضاً حتی قادر به تامین هزینه ای جاری خود هم نیستند چه رسد به اینکه وزنه ای در تعیین خط مشی اقتصاد باشند.

سپاه پاسداران:

حزب نظامی سپاه پاسداران مهمترین رکن قدرت رهبر است . سپاه امروز دیگر یک نهاد نظامی بی طرف نیست بلکه یک نهاد قدرتمند نظامی ، سیاسی و اقتصادی است که از وزارت نفت گرفته تا مجلس شورای اسلامی ، شورای شهر تا بزرگترین بنگاههای اقتصادی رخنه کرده و بدون صدا بیشتر نهاد های مشابه را هم تسخیر کرده ، این در حالی است که نفوذ رسمی آن در زیر مجموعه های وابسته به رهبری بر همگان روشن است .

سپاه در حال حاضر امنیت داخلی ، که مطابق قانون باید بر عهده پلیس باشد و حتی ارگانهای اقتصادی، فرهنگی، رسانه های گروهی اعم از روزنامه ها، خبرگزاریها، صداوسیما، شهرداری ها، موزه ها، ورزش و... که کاملاً غیر نظامی هستند، را تحت نظر دارد و امروز حضور بیش از 100 فرمانده عالی رتبه سپاه در نهاد های دولتی ، قضایی ، قانونگذاری و ... حاکی از نفوذ نیرویی دارد که خود کاملاً در اختیار رهبری است تا اهداف نظامی درون و بیرون مرزی رهبر را عملی کند .

در نهایت با نگاهی به نمونه هایی از روابط دولت و رهبر می‌توان به قدرت بی حد و حصر رهبری و منبع همه فسادهای موجود که اختلاس 3000 میلیاردی بدون اغراق و تنها نمونه کوچک آن و نتیجه تسویه حساب نهادهای فاسد درون نظام و تقابل بین دولت و مجموعه تحت امر رهبری بود پی برد .

نتیجتاً جنون قدرت در نهاد رهبری هر چند منجر به تمرکز قدرت شده اما شکاف را در بین دیگر اجزای نظام عمیق تر کرده و دیکتاتوری مطلق ولی فقیه می رود تا از درون اساس و پایه های سلطه مذهبی و فاسد سیاسی را که بر مبنای عوام فریبی بنا شده بپوشاند و این شروعی است برای پایان یکی از سخت ترین برهه های تاریخ ملت ایران !

خلاصه همه به جان هم افتاده اند و یکی پس از دیگری پرده های اسرار یکی به ضرر آن دیگری دریده می شوند و بر مردم آشکار می گردد که چه کلاه عظیمی به نام « خدا و دین » بر سرشان رفته است !!!

کفتار های روباه مسلک نمی گذاشتند تا نجاست اندیشه و کثافات رفتارهایشان از پرده برون بیفتد . آن ها در طی تمام این سالها با حیله گری و مکاری نگذاشتند مردم بدانند چه دارد بر سرشان می رود و در پشت پرده خیانت ها چه معاملات ایران بر باد دهی صورت می گیرد .

ز دیگر « تحرکات » این کفش جفت کُن شیطان رجیم (!) فشاری است که این روز ها بر زندگی مردم وارد می سازد . از گرانی های کمر شکن گرفته تا ایجاد محدودیت بیشتر در زمینه های فرهنگی مانند کتاب و غیره و از سخت گیری در پوشش زنان تا طرح موضوع « تخصیص جریمه های پنج میلیون تومانی برای دارندگان ماهواره ها » ، همه و همه شاهدی بر این مدعاست که این رئیس جمهور کابوس نشان (!) بر آن است تا جان مردم را به لب برساند و آنها را با خشم ویرانگر شان به خیابان ها بکشانند تا کار « ملایان حرمسرا نشین » و خانواده های مافیایی و پلیدشان را یکسره کنند !!!!

اما فکر می کنید با توجه به سخت گیری های فزاینده ، سانسور و خفقان شدید حاکم بر ایران و سرکوب مبارزان ، چه کاری از ما ساخته است ؟

پاسخ این هم دشوار نیست ؛ آگاهی دادن ، آگاهی دادن ، آگاهی دادن !!!!

باید از هر راه ممکن ، دست به کار شد و مقابل خفقان و سانسور ایستاد . از ارسال خبر ها از طریق ایمیل تا توزیع شب نامه ، دیوار نویسی و امثال این ها . از رسوا کردن مأموران رژیم در همه جای دنیا ، تا ارسال هر چند ناچیز کمک های نقدی برای خانواده های نیازمند .

حال که رژیم در حال جمع آوری ماهواره هاست ، می توان در تالارها و اتاق های گفتگوی اینترنتی ، صدای برنامه های خوب رسانه های برون مرز را پخش کرد تا در داخل کشور ، عده ای از طریق همان « روم های اینترنتی » آن ها را ضبط کنند و به دست دیگران برسانند . ما ملتی هوشمند و زیرک ایم . باید بتوانیم در مقابل هر ترفند رژیم راه حلی مناسب بیابیم .

یک آن از خود بپرسید که آیا شما هم از زُمره « هوشمندان » اید؟! و نیز از جمله مخالفان این رژیم « عنکبوتی »؟!

اگر آری ، بپرسید چگونه می خواهید از « هوش خود » برای یاری به هموطنان دربند و بلا زده سود بجویید و برای خبر رسانی و آگاهی و آماده سازی آن ها کاری بکنید ؟

همین اکنون از خود بپرسید و دست به کار شوید ! چطور است از ارسال همین مطلب برای دیگران آغاز کنید !!

زنده باد ایران آزاد

نویسنده: بهاره سیاه منصوری

Stockholm- 20200708

Hör Vår Röst